

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبه‌هنگ راد  
۲۵ اکتوبر ۲۰۱۵

## پیامدهای حملات هوایی روسیه در سوریه!

سوریه در اثر سیاست‌های امپریالیستی در چند سال اخیر به ویرانه تبدیل شده است. میزان بمباران‌ها، تخریب خانه و کاشانه مردم و هم‌چنین خروج میلیون‌ها انسان به دلیل راه‌اندازی جنگ ارتجاعی از جانب سودجویان، قابل شمارش و نوشتار نیست. زیرساخت‌ها در هم ریخته شده است و عناصر و نیروهای ارتجاعی، با حمایت و پشتیبانی امپریالیست‌ها - به منظور سهیم شدن در قدرت دولتی -، به جان هم افتاده‌اند. هر روز تعداد بیشتری در اثر دخالتگری‌های امپریالیست‌ها به کام مرگ کشیده شده، تعدادی دیگر آواره می‌شوند، خانه‌ها و اماکن تازه تری، مورد هدف قرار می‌گیرند. بهانه‌ها و گفتمان‌ها، بر سر تضمین "آزادی‌های مردمی"، "نابودی تروریست‌ها" و سرنوشتی دیکتاتورهاست؛ "آزادی‌ها"، "تروریست‌ها" و دیکتاتورهایی که از زمره هدایای امپریالیست‌ها به مردم منطقه می‌باشد.

پُر واضح است که نتایج و ثمره‌های تاکتونی اوضاع منطقه، کاملاً در تخالف با ادعاهای قدرت‌مداران بین‌المللی و هم‌چنین در تخالف با وعده "اعطای" دموکراسی و زندگی بهتر به محرومان است. حال این پُرسش‌های اساسی طرح است که آیا چنین جنگ‌هایی، خواست توده‌های دردمند و هم‌ردیف با آسایش بهتر مردم و در جهت پیشرفت جامعه و تضمین آزادی‌هاست؟ آیا می‌توان از درون جنگ‌های ارتجاعی هم چون سوریه، سالم بیرون بدر آمد و جامعه را، به مسیر صحیح و سازنده هدایت نمود؟

نخست این که، به جرأت می‌توان بر این نظر اصرار ورزید، که، این دست جنگ‌ها، نه تنها کمترین سود و منفعتی برای کارگران، زحمت‌کشان و فرزندان‌شان به بار نیاورده است، بلکه زندگی آنان را تباہ تر، و جامعه را ناامن تر نموده است. افغانستان، عراق، لیبیا، یمن و غیره از زمره نمونه‌های روشن و آشکاری ست که می‌توان، بدان‌ها استناد ورزید و نشان داد، که ماهیت و هدف مندی جنگ‌های امپریالیستی، خدمت‌گذاری به مردم و در جهت رفع و رجوع هزاران معضل و مشکل عدیده رو در روی جامعه نبوده و نیست. این، جنگ و دعوی کارگران و زحمت‌کشان با سرمایه‌داران نیست؛ کدامین جنگ "خیرخواهانه" و توده‌ئی را می‌توان شاهد گرفت، که باعث خروج آنان از صحنه شده است، کدامین جنگ انقلابی و مردمی ست که به تخریب هر چه بیشتر زیرساخت‌های جامعه می‌پردازد؟

به دیگر سخن، ماهیت و ساختار جنگ‌های مردمی، متضاد با ماهیت و ساختار جنگ‌های ارتجاعی است. قوانین جنگ‌های انقلابی، از دخالتگری‌های هر چه بیشتر مردم در تعیین سرنوشت خویش، و در عوض، قوانین جنگ‌های

ارتجاعی، از سیاست قتل و گشتار بی گناهان و از تخریب خانه های محروم ترین اقشار جامعه پیروی می نماید. دو موضوع، دو مقوله و دو شکل و شمایل متضادی، که امروزه، در جهان و به ویژه بر فضای منطقه خاورمیانه حاکم گردیده است و بیهوده هم نیست که، مردم از دست چنین جنگ‌هایی، زله شده اند و خواهان خاتمه آنند. چرا که جنگ های جاری، جنگ قدرت مداران بین المللی، به منظور تعریف تازه تر با شرایط فعلی دنیای سرمایه داری است.

در ثانی، فارغ از اختلافات جزئی مابین راه اندازان آن، همه طرفین درگیر جنگ های امپریالیستی - و علی رغم ادعاهای شان -، من حیث المجموع، در تداوم چنین وضعیت ناهنجاری، اشتراک نظر و منافع داشته و ماهیتاً در تقابل با یک دیگر نیستند. قرار و مدارهای شان، پیگیری سیاست های جنگی در این برهه از زمان است و هر دوره، و آنها با جابه جایی این دولت و آن دولت سرمایه داری و وابسته، با جابه جایی و با انجام وظایف تازه تر مابین خودی های شان، و با حمایت بیدریغ نیروها و دسته جات مسلح و ارتجاعی دارند، بر شعله های جنگ های ارتجاعی منطقه می افزایند. دهه هاست که دولت مردان بزرگ، سناپور و چگونگی تقسیم و تکه و پاره نمودن کشورهای منطقه را نوشته اند، تکالیف به نظام هائی هم چون ایران را دیکته، و همچنین پیشاپیش، بازیگران غیر دولتی را برای تحقق و تداوم نقشه های شوم شان تعیین نموده اند. طالبان، القاعده، داعش، النصر، اخوان المسلمین، حوثی ها و غیره و هم چنین دخالتگری ها و لشکرکشی های قدرت مداران بین المللی به منطقه خاورمیانه... گویای چنین واقعیات تلخ اند. به طور یقین فاکتورها در این زمینه فراوان اند و به عنوان نمونه، سوریه، چند سالی، درگیر اختلافات و تضاد چگونگی پیشبرد بهتر سیاست های امپریالیستی و آن هم در گوشه ای از منطقه خاورمیانه می باشد. از دو، و از چند سو، مردم این کشور، بار بحران امپریالیستی و بار زیاده خواهی های طرفین درگیر در جنگ را به دوش می کشند. توافقات امپریالیستی و آن هم با دروغ، فریب و با ربا و آنها یکی پس از دیگری دارد، پی ریخته می شود تا نقشه های خانه خراب کن، آسانتر به پیش رود. به بهانه و با گفتمان "نابودی تروریست ها"، خانه های مردم را با خاک یکسان، و با توافق هم، - و به ظاهر و با یقه درانی -، پایه های امنیت سرمایه های امپریالیستی در منطقه را محکمتر می کنند؛ به منظور پیشرفت بهتر سیاست ها، وظایف دولت ها و جناح های امپریالیستی را جابه جا می کنند تا نقشه های شان، از روند عادی و طبیعی اش باز نماند. قصد و مقصودشان نه تضمین آزادی ها و آسایش مردمی، بل ایجاد رعب و وحشت وسیع تر در صفوف آنان و همچنین تخطئه تحرکات رادیکال توده ئی - کمونیستی ست.

به طور قطع بنابه کارکردهای تاکتونی، هیچ کدام شان مدافع نابودی "تروریست ها" و دسته جات ارتجاعی هم چون داعش نیستند. رشد بی وقفه داعش و مجهز نمودن آن به سلاح های مدرن و جنگنده، به نوبه خود مؤید این حقیقت است که داعش، بدون حمایت های مالی، لجستیکی و نظامی بزرگان، قادر به دوام نیست. به گمان امپریالیست ها، تاریخ مصرف داعش به سر نرسیده است و به عنوان ارباب و سوپاپ اطمینان امپریالیست ها در منطقه نقش آفرینی می کند. بر مبنای چنین سودمندی و اعتباری ست که اوباما، پایه طرح "مبارزه" ۱۰ ساله با داعش را پی ریخته است و بر تداوم "مبارزه" با نیروی مرتجع و دست سازش اصرار می ورزد. در حقیقت وظیفه فعلی سرمایه، نه تنها در نابودی و در بر چیدن بساط داعش نیست، بلکه همه هم و غمش در تقویت و در پرورش چنین دسته جات مسلح و ارتجاعی در منطقه می باشد. چرا که می بایست پیشرفت و اجرایی "نظم نوین جهانی" و "خاورمیانه بزرگ"، را با سیاست های جنگی توأم با رعب و وحشت و با تقویت دسته جات مسلح و ارتجاعی همچون داعش و النصر و غیره تضمین نمود؛ می باید با جا به جایی دولت ها و با تعیین وظایف روزانه جلوداران جنگ، با تولید و با باز تولید عناصر مسلح و وابسته، افکار عمومی را منحرف ساخت؛ می باید با پایه ریزی جنگ های ارتجاعی، مانع جنبش های پیشرونده و رادیکال شد و به جرأت می توان گفت که پایه های فکری همه دولت های بین المللی اینگونه پی ریخته شده است و هدف همه دولت ها و

از جمله دولت روسیه، سهم خواهی بیش از این، از منابع غنی منطقه خاورمیانه می باشد؛ هدف همه دولت های درگیر در جنگ خانمان سوز سوریه و از جمله روسیه، نه نابودی نیروهای سد کننده جنبش های اعتراضی رادیکال، بل در تقویت عناصر و نیروهای سود ده سرمایه های امپریالیستی ست.

با این اوصاف، نیروهائی هم چون داعش به کار امروزی شان خواهد آمد، وظیفه اش گسترش جنگ و تخریب بیش از این خانه و کاشانه محرومان، پیگیری سیاست ترس و وحشت امپریالیستی در میان کارگران و زحمت کشان و همچنین ناامنی هر چه بیشتر فضای جامعه است. معین است که تداوم این وضعیت خواست همه قدرت مداران بزرگ بین المللی است و بدون کمترین شک و تردیدی - و علی رغم تضاد و داد و بیدادهای ظاهری -، به دنبال اجرائی و به دنبال روانتر شدن سیاست های طبقه سرمایه داری اند. اختلاف و تضاد، بر سر اداره بهتر نظام کنونی جهان، بر سر سهم بری بیش از این، بر سر به کجراه بردن افکار عمومی ست و بی دلیل هم نیست که این روزها، روسیه و در توافق با امریکا - و آنهم به بهانه "نابودی تروریست ها" -، وارد صحنه عملی جنگ سوریه شده است تا مبادا، روز و روزگاری، مسیر جنگ های امپریالیستی خارج، و جنبش های اعتراضی رادیکال بار دیگر در منطقه خاورمیانه قد علم نماید. روسیه در توافق با امریکا، از زمین و هوا، و هم چنین به بهانه دفاع "مشروع" از دولت اسد، بر سر مردم بمب می ریزد و دست به کشت و کشتار محرومان می زند تا جامعه را "امن تر" نماید!! جنگ و بمباران هائی که، جز تخریب بیش از این اماکن عمومی، جز تخریب بیش از این بی غوله های میلیون ها انسان دردمند، جز کوچ و فراری دادن بیش از این آنان، جز ناامن تر کردن جامعه نبوده و نمی باشد و خلاف ادعاها، این دست حملات، زمینه ساز آسایش آتی مردمی، نابودی دسته جات مسلح و ارتجاعی و هم چنین در جهت برقراری دموکراسی در درون جامعه نبوده و نیست. مسلماً تضمین آسایش مردمی، نابودی عناصر و دسته جات وابسته به سرمایه های امپریالیستی و هم چنین برقراری دموکراسی، در گرو، کوتاه نمودن دستان کثیف قدرت مداران بین المللی و دیگر دار و دسته های ریز و درشت شان می باشد. به بیانی روشن تر جامعه سوریه به مانند مابقی جوامع خاورمیانه، نیازمند، دور زدن سیاست های کنونی حاکم بر آنها می باشد، به عینه دریافته شده است که هیچ یک از جناح های متفاوت امپریالیستی، نه تنها کمکی به بهبودی اوضاع کنونی نخواهند کرد، بلکه سیاست و عملکردشان، شعله ورتن نمودن جنگ های امپریالیستی، غارت اموال عمومی و هم چنین کوچ دادن مردم باقی مانده از سرزمین مادری شان می باشد.

در خاتمه، یگانه راه و درمان دردهای بی شمار مردم محروم منطقه و به ویژه توده های سوریه، نه تنیده شدن در سیاست های جناح های رقیب سرمایه، بل در انتخاب سیاست مستقل و در عروج سازمان رزمنده و کمونیستی ست؛ سیاست مستقل و سازمانی که از بده و بستان های امپریالیستی - و آنهم با هر دلیل و بهانه ای - فاصله گرفته، و پشتوانه و تکیه گاهش، کارگران و زحمت کشان اند؛ سازمانی که هر گونه مراوده و داد و ستد، با جناح های متفاوت امپریالیستی و دولت های وابسته بدانان را پشت پا زده، و عملاً، در تقابل با آنان به صف خواهد شد. چرا که و در عمل به اثبات رسیده است، همه جناح های سرمایه، از آبشخور واحدی تغذیه می کنند و علی رغم اعلان "انسان دوستی" شان، کمترین قربابت و همسوئی، با منافع میلیون ها انسان ستم دیده نداشته و ندارند؛ به اثبات رسیده است که پیامد هر گونه حمله قدرت مداران بین المللی و از جمله، حملات هوائی روسیه در سوریه، در خدمت به تخریب هر چه بیشتر جامعه و در خدمت به کشت و کشتار و آوارگی میلیون ها انسان محروم می باشد. بنابر این، حملات هوائی روسیه به خاک سوریه، دنباله همان سیاست های امپریالیستی در منطقه است و هر گونه دفاع و یا تأیید ضمنی از چنین تحرکات خانمان براندازی، جز تظهير چهره کثیف سرمایه داران بین المللی، جز توهم پراکنی، جز انحراف افکار عمومی از ماهیت

دولت هائی همچون دولت روسیه و در نهایت، جز در پس پرده نگهداشتن چشمداشت های سیاسی - اقتصادی دولت ها و نیروهای درگیر، در جنگ سوریه نبوده و نمی باشد.

۲۴ اکتوبر ۲۰۱۵

۲ آبان [عقرب] ۱۳۹۴